



خانواده هایی با ۳ شهید ۴ شهید و حتی ۶ شهید

روایتی درباره بیش از ۳۰ خانواده در خطه خورشید که هر کدام بیشتر از ۳ شهید تقدیم وطن کرده اند



• شهیدان غرویان



• شهیدان اسماعیل زاده



• شهیدان عدالتی خداینده



• شهیدان غفوری شهرباف



• شهیدان ابره



• شهیدان حسین پور



• شهیدان ذاکر امام رضا

ذاکر امام رضا، رمضان پور، غلامی، پیاده و انصاری طلب، عبدالرضاشریعتی، بچاری، ذبیحی، شهرستانی، سلطانی از مشهد مقدس و خانواده های شهیدان شهرستان های خراسان رضوی : شهیدان غرویان (نیشابور)، یعقوبی بناب (نیشابور)، افتخاری (خوشاب)، حسینی (مزینان). البته مردم این دیار به جز دفاع مقدس، در دیگر دوره های تاریخ هم شهدای بسیاری تقدیم میهن کرده اند، همچون شهدای ترور، شهدای مرزبانی، شهدای مدافع حرم، همچون خانواده آبره در روستای چاهک تربت جام که چهار برادر این خانواده در سال ۷۶ توسط گروهک تروریستی طالبان به شهادت رسیدند.

• بمباران های جنگ؛ دو خانواده با ۱۰ شهید

این که بشنویم یک خانواده خراسانی شش شهید و خانواده ای دیگر چهار شهید داده کمی بهت آور و غیر قابل باور است، اما اطلاعات ثبت شده در بنیاد شهید چنین چیزی را تایید می کند. خانواده شهیدان حسینی ساکن در گر بوده اند که اسفند سال ۶۶در تهران، در بمباران هوایی به شهادت رسیدند. «ر با به ابراهیمی» مادر این خانواده بود و همراه با پنج فرزندش کبری، محمدرضا، ابراهیم، علی اصغر و علی حسینی به خیل شهدا پیوستند. خانواده بحرینی با چهار شهید از مشهد

■ بگذار از مادرانی بگویم که...

اما بگذارید برایتان از مادرانی بگویم که با دیدن پیکر فرزندشان، دست به آسمان بلند می کنند و می گویند: «خدایا فرزندم را بپذیر، امانت تو را به خودت باز می گردانم». نه این که بغض و غم و غصه نداشته باشند، دارند، آن ها هم مادرند، مثل همه مادران دنیا داغ فرزند برایشان سخت است و تحملش دشوار. اما همان روزی که سر بندهای «یا حسین» و «یا زهرا» بر پیشانی فرزندانشان بستند، به خدایشان سپردند و پذیرفتند که شاید دیگر با آن ها چشم در چشم نشوند. سرزمین ما چنین مادران و پدرانی دارد، عزیزی که جگر گوشه های خود را برای دفاع از این آب و خاک راهی جبهه ها کردند تا جگر گوشه های من و شما در امنیت باشند.



• شهیدان آشتادانی

■ بیش از ۳۰ خانواده با ۳ شهید

حالا می خواهم برایتان از مادران و پدران دیگری هم بگویم. آن ها که تجربه وداع با پیکر خونین فرزند را فقط یک بار تجربه

شهیدانی که می آیند

سال ها از جنگ تحمیلی می گذرد اما هنوز خانواده هایی چشم انتظار پیکر شهیدشان هستند

رعیت نواز- جنگ نابرابر تحمیلی که تمام شد، خانواده رزمنده ها منتظر عزیزانشان بودند، عده ای از رزمنده ها به اسارت درآمده بودند و عده ای هم بعد از شهادت به دلایل مختلفی پیکرهایشان در جبهه ها ماند، اما پدران و مادران شان منتظر بودند و هنوز هم برخی از آن ها همچنان منتظرند. منتظر همان چند تکه استخوان و شاید تکه هایی از لباس و... جنگ که تمام شد هنوز بدن پاک شهدا در مناطق عملیاتی باقی مانده بود به همین خاطر مردانی از این آب و خاک به تفحص مناطق مختلف عملیاتی در داخل و خارج از مرزهای کشور پرداختند که نتیجه آن آرام گرفتن قلوب ده ها هزار خواهر، برادر، پدر و مادری شد که در انتظار فرزندانشان بودند. اما شهدای دیگری در آن مناطق ماندند که خانواده هایشان همچنان منتظر خبری از پیدا شدن پیکر عزیزشان هستند که کمیته جست و جوی مفقودان با وجود تمام سختی ها با عشق و علاقه در میان خاک ها، رمل ها و گاه مناطق باتلاقی یا در میان سنگ ها و صخره ها در گرما و سرما در تلاش برای کشف پیکرهای مطهر آن ها هستند



■ تعداد مفقودان و شهدای تفحص شده

«باز هم شهید آورده اند». این جمله ای است که پس از گذشت بیش از ۳۲ سال از پایان جنگ تحمیلی، هنوز هم از زبان مردم کوچه و خیابان شنیده می شود و یاد و خاطره جان فشانی های رزمندگان هشت سال دفاع مقدس را زنده می کند. بد نیست از دریچه آمار هم به عملیات تفحص شهدا نگاهی داشته باشیم. بعد از جنگ آمار مشخصی از مفقودان های جنگ به دلیل نبود آمار دقیق از تعداد اسرا وجود نداشت تا این که پس از اتمام عملیات مبادله اسرا در سال ۸۴ با اعلام رسمی بنیاد شهید، رزندگان که بدن های آنان کشف و شناسایی نشده بود، به عنوان «شهید» و «مفقود الجسد» معرفی شدند.

سردار باقرزاده فرمانده کمیته جست و جوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح در مهر سال گذشته اعلام کرد که از ابتدای کار تفحص شهدا تاکنون ۴۳ هزار شهید تفحص شده است و بیش از سه هزار پیکر مطهر شهدای هشت سال دفاع مقدس هم هنوز یافت نشده اند. از این تعداد ۴۳ هزار شهید تفحص شده بیش از ۹ هزار شهید به صورت شهید گمنام به خاک سپرده شدند که به دلیل کامل نبودن بانک DNA خانواده شهدا هنوز هویت شان مشخص نیست.

■ بانک اطلاعات خانواده شهدا کامل نیست

شاید برای بسیاری این سوال پیش آمده باشد که چرا با توجه به پیشرفت علم پزشکی و تشخیص از طریق «DNA» هنوز شهدایی در کشور وجود دارند که به صورت گمنام تشییع و خاک سپاری می شوند. رئیس مرکز تحقیقات ژنتیکی نور که روند شناسایی و احراز هویت شهدای گمنام را بر عهده دارد در گفت و گویی با سایت فرهنگ ایثار و شهادت مطرح کرده است: «بانک اطلاعات خانواده های شهدا کامل نیست و بنابراین

مفقودین جنگ تحمیلی شروع شد. بر همین اساس کمیته جست و جوی مفقودین در ستاد کل نیروهای مسلح شکل گرفت. روند کار تفحص این گونه است که ابتدا نیروهای اطلاعات عملیات و عناصر تخریب چی با توجه به اطلاعات و اسناد به دست آمده از رزمندگان و آزادگان، آثار موجود از شهیدان و تشخیص خطوط پدافندی در منطقه عملیاتی نقشه تفحص را ترسیم می کنند بعد از آن مسیر تردد و معبر برای ورود نیروهای تفحص مین یابی و در صورت نیاز، زمین برای استقرار بیل مکانیکی هموار می شود. فعالیت تفحص هم بسته به نوع، شرایط و جنس زمین متفاوت است. به طور مثال در منطقه فکه، زمین رمل و ماسه ای است، در چلات، سوما و میمک تفحص در سنگلاخ و تپه ها و شیارهای کوچک و بزرگ انجام می شود، در طلاکویه زمین باتلاقی است، در «شط علی» نیز آب وجود دارد و در کرستان و حاج عمران در کوه های صعب العبور انجام می گیرد.

■ تفاوت پیکر کشف شده ایرانی با عراقی

در این بین، سوال دیگری که برای عده زیادی پیش می آید این است که تفحص کنندگان از چه طریقی متوجه می شوند پیکر کشف شده ایرانی یا عراقی است. در این باره تفاوت های زیادی وجود دارد که به چند نمونه از آن ها اشاره می شود: کلاه، چفیه، پیراهن، شلوار، فانسقه، پوتین، ققمقه ها، تفاوت در سرنیزه اسلحه ها، وجود اسلحه ژسه و مهمات همراه، نشان از ایرانی بودن دارد، نارنجک ایرانی با عراقی فرق دارد، وجود امپول های آتروبین همراه با نیروهای ایرانی برای جلوگیری از آثار بمب های شیمیایی، روی لباس ایرانی ها اشعار اسلامی درج شده است، تفاوت در جای خشاب و سینه بندهای جای خشاب فشنگ ها، تفاوت در کوله پشتی ها و کوله های آرپی جی هفت و جوارب.



خاطره فرمانده قرارگاه عملیاتی کمیته جست و جوی ستاد کل نیروهای مسلح از تفحص شهدا در عراق

پیرزن عراقی، مادر شهدای ایرانی



حال و هوای تفحص را تفحص رفته ها بیشتر می دانند اما برای این که کمی با حال و هوای تفحص آشنا شویم به سراغ «حاج حسین عشقی» فرمانده قرارگاه عملیاتی کمیته جست و جوی ستاد کل

نیروهای مسلح رفتیم تا خاطره ای برای مان باز گو کند. او از آخرین روز تفحص شش سال پیش در خاک عراق بر ایمان گفت و از پیرزن عراقی که برای شهدای ایرانی مادری کرده بود. او خاطره اش را این گونه بیان می کند:

۲۹ اسفند ۹۳ روز جمعه بود و ما با گروه تفحص از الاماره راه افتادیم به سمت منطقه زبیدات (منطقه عملیاتی حرم). وارد منطقه ای شدیم که میدان مین وسیعی بود، در قسمتی که به اصطلاح کمتر آلوده بود پیاده و مستقر شدیم. الحمدلله آن روز با توسل به اقامون امام زمان (عج) که روز جمعه، روز خاص ایشان است دو شهید پیدا کردیم جالب این که یکی از این دو شهید پیشانی بندی ماهدی ادر کنی (عج) داشت و شهید دیگر هم پشت پیراهنش با بقیه... (عج) نوشته بود. ظاهر بچه ها (چاقون خالی) مرغ کباب کرده بودند و یک مقداری غذا باقی موند. در واقع مقداری از گوشت اضافه اومد که هنوز کباب نشده بود. آشپز مون گفت که این گوشت رو کباب نکنیم ببریم الاماره برای شام. یک دفعه به ذهنم رسید که شاید یکی رو تو جاده پیدا کردیم که گرسنه باشه، گفتم کباب کنیم بذاریم تو ماشین توره به یک نفر میدیم. رفتیم در روستای زبیدات یک بنده خدا بود که بر اثر انفجار مین هم انگشتان دستش قطع شده بود و هم نابینا شده بود. غذا رو به ایشون دادیم همین که غذا رو بهشون دادیم به ما گفت: «حالا که غذا رو دادید به خبری رو به شما میگم. ما رو کشید بیرون از مغازه و جایی خلوت. گفت، خانم سالخورده ای اومده این جا که اطلاعاتی درباره شهید اداره.» رفتیم این خانم رو پیدا کردیم این خانم گفت، بله این قضیه درست است سوار ماشین شد و ما رو به جایی برد که شهدا آن جا بودند. این خانم خودش شهدا رو در زمین کشاورزی اش تدفین کرده بود، خب شاید در حالت عادی ما هیچ وقت اون جا نمی رفتیم چون منطقه ای بود خارج از مناطق عملیاتی، حالا این شهید شاید اسیر شده بودند و بر داون جادفتشون کردن شاید هم اتفاقی دیگری افتاده، من نمی دونم قطوری منتقل شدند اون جا.

اون خانم تعریف می کرد وقتی من این شهید رو پیدا کردم پرانکنده بودند من همون جور که این ها رو جمع می کردم گریه می کردم و یاد مادر شون افتادم و گفتم که من براتون مادری می کنم و می گفت من چند شب شام نداری دادم برای این شهید. وقتی پیکر شهدا را بیرون آوردیم آن زن مدام خدا رو شکر می کرد و می گفت: «بالاخره امانتی بودن نزد من و این امانت رو دارم به ایرانیان بر می گردونم و تحویلشان می دم.»